

فرهنگستان های زبان فارسی

اطلاعاتی مختصر

گردآورنده: فرامرز خرد

زمانی که نمایندگان وزارتخانه های جنگ، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۰۳ انجمنی را برای رسیدگی به وضعیت واژگان نوظهور در رسته ها و امور نظامی تأسیس کردند، خود به روشنی نمی دانستند که عالی ترین مرجع تصمیم گیری در حوزه زبان و ادبیات فارسی را پایه ریزی می کنند.

ثمره تلاش ۸ ساله انجمن های ادبی دوره قاجار که در کوران مشروطه این انجمن را پدید آورده بود، وضع ۳۰۰ واژه از جمله هواپیما، فرودگاه، خلبان آتش بار، هواسنج و بادسنج بود. انجمن مذکور در سال ۱۳۱۱ با تشکیلاتی جدید به نام «انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی» به ریاست «دکتر عیسی صدیق اعلم» دارالمعلمین عالی، حیاتی تازه یافت و به عنوان مرکزی برای فعالیت فوق برنامه دانشجویان در شعبه های علوم طبیعی، علوم ریاضی، فیزیک، شیمی، ادبیات و فلسفه معرفی شد. انجمن جدید به راهنمایی استادان خود یعنی «حسین گل گلاب»، «دکتر محمود حسابی» و «دکتر رضازاده شفق» توانست تا سال ۱۳۱۹ چهارصد واژه نو را پیشنهاد دهد که شماری از آن ها هنوز در کتاب های درسی دبیرستانی و دانشگاهی دیده می شود. اما اندیشه تأسیس سازمانی رسمی به نام فرهنگستان که هدف اصلی آن نشان دادن واژه های فارسی به جای کلمات و ترکیبات بیگانه بود، در ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ صورتی عملی به خود گرفت و فرمان تشکیل آن صادر شد.

فرهنگستان اول:

فرهنگستان ایران نام نهادی بود که در دوره رضاشاه برای اصلاح زبان و خط فارسی تشکیل شد و تا سال ۱۳۳۳ فعالیت کرد. آن را «فرهنگستان اول» نیز نامیده اند.

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه اساسنامه فرهنگستان را در شانزده ماده تنظیم کرد که به تصویب هیئت وزرا رسید. در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴، رضاشاه فرمان تشکیل فرهنگستان ایران را صادر کرد. ریاست فرهنگستان، به ترتیب، بر عهده این اشخاص بود: محمدعلی فروغی (اردیبهشت ۱۳۱۴)، حسن وثوق (آذر ۱۳۱۴)، علی اصغر حکمت (اردیبهشت ۱۳۱۷)، اسماعیل مرآت (مرداد ۱۳۱۷)، عیسی صدیق اعلم (مهر ۱۳۲۰)، بار دیگر محمدعلی فروغی (آذر ۱۳۲۰) و حسین سمیعی (ادیب السلطنه) (۱۳۲۱).

اعضای پیوسته فرهنگستان عبارت بودند از:

ملک الشعرای بهار، علی اکبر دهخدا، محمدعلی فروغی، ابوالحسن فروغی، سعید نفیسی، سید نصرالله تقوی، رضازاده شفق، بدیع الزمان فروزانفر، علی اصغر حکمت، عبدالعظیم خان قریب، گل گلاب، رشید یاسمی، رهنما، ادیب السلطنه سمیعی، صدیق اعلم، عصار، فاطمی، قاسم غنی، ابراهیم پورداوود،

عباس اقبال آشتیانی، محمد حجازی، محمد قزوینی، محمد تدین، مسعود کیهان، جلال همایی، غلام‌علی رعدی آذرخشی، احمد بهمنیار، حسنعلی مستشار، سرهنگ مقتدر، مصطفی عدل، علی‌اکبر سیاسی، محمود حسابی.

اعضای وابسته فرهنگستان عبارت بودند از:

محمدعلی جمال‌زاده، فخر ادهم، کریستن‌سن (دانمارک)، هانری ماسه (فرانسه)، یان ریپکا (چکسلواکی)، منصور بیک فهمی، علی بیک الجارم، محمد رفعت پاشا (مصر)، آرتر پوپ (آمریکا)، محمد اقبال (پاکستان)، ربتس وپولووسکی (روسیه)، ر. ا. نیکلسون (انگلستان)، هادی حسن و محمد حسنین هیکل (مصر).

گروه‌های فرهنگستان ایران عبارت بودند از: گروه لغت، گروه دستور، گروه اصطلاحات پیشه، گروه کتب قدیم، گروه اصطلاحات و لایبی، گروه راهنما، گروه خط. بعد از مدتی این گروه‌های هفت‌گانه به گروه‌های شش‌گانه زیر تغییر یافت: گروه فرهنگ فارسی و واژه‌گزینی و گردآوری واژه‌ها، گروه دستور زبان، گروه جغرافیا، گروه دستور، گروه لغت، گروه کتب قدیم.

بیشتر کوشش فرهنگستان صرف انتخاب معادل برای اصطلاح‌ها و واژگان خارجی شد.

فرهنگستان ایران، در بهمن ۱۳۱۵ نظام‌نامه‌ای برای "بازبینی در اصطلاحات علمی" تصویب و در آن راه و روش ضوابط معادل‌یابی را تعیین کرد. عملکرد فرهنگستان در این حوزه موفقیت‌آمیز و نتایج مصوبات آن از اقبال عمومی خوبی برخوردار شد. اما برخی اعضای برجسته آن، چون اعتقادی به واژه‌سازی نداشتند، نیازی به فعالیت پی‌گیر احساس نکردند. کمیسیون‌هایی نیز که برای تهیه فرهنگ و دستور زبان و مطالعه در اصطلاح‌های جغرافیایی و نشر متون قدیم در آن تشکیل یافت، دستاورد قابل توجهی نداشت. رفته‌رفته فرهنگستان اول دچار رکود شد و موقتاً در ۱۳۱۷ به مدت یک هفته منحل گردید و، پس از بازگشایی مجدد، تا ۱۳۲۰، به ریاست اسماعیل مرآت فعالیت داشت.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، کار زبان‌پیرایی و واژه‌سازی فرهنگستان متوقف شد و فعالیت آن سازمان بیشتر جنبه ادبی و تحقیقی داشت. فرهنگستان ایران رسماً در سال ۱۳۳۳ تعطیل شد.

از عملکردهای این فرهنگستان، به تصویب رساندن ۲۰۰۰ واژه تا سال ۱۳۲۰ بود. همچنین نامه فرهنگستان در سال ۱۳۲۲ منتشر شد. از این نشریه، به سردبیری حبیب یغمائی، در سال اول چهار شماره، در سال دوم (۱۳۲۴) دو شماره، در سال سوم دو شماره، در سال چهارم یک شماره و در سال پنجم (۱۳۲۶) یک شماره منتشر شد. تأسیس انجمن ادبی فرهنگستان به ریاست ملک‌الشعراى بهار و تشکیل کمیسیون‌های زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، قواعد و دستور زبان، تئاتر، موسیقی و ترانه‌ها نیز از جمله فعالیت‌های دیگر این دوره بوده است.

فرهنگستان دوم:

فرهنگستان دوم که در سال ۱۳۴۷ با هشدار «محمد مقدم» استاد و پایه‌گذار گروه آموزشی زبان شناسی در برابر هجوم واژه‌های بیگانه تأسیس شد. توانست همراه با فرهنگستان اول تا سال ۱۳۵۱ مجموعاً ۶۶۵۰ واژه فارسی را در برابر واژه‌های بیگانه پیشنهاد کند. در فرهنگستان دوم نیز هم‌چنان گروه واژه‌گزینی مهم‌ترین وظیفه فرهنگستان را بر عهده داشت و از ۹ کمیسیون علمی و فنی، پزشکی و کشاورزی، زبان و ادب، تاریخ و فلسفه و علوم اجتماعی و تربیتی روان‌شناسی، هنرهای زیبا، ارتش، اقتصاد، بازرگانی، حقوق و علوم اداری و سیاسی و جغرافیا تشکیل می‌شد. این فرهنگستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مدت کوتاهی فعال بود تا این که در سال ۱۳۶۰ با ادغام

۱۱ مرکز و سازمان تحقیقاتی که فرهنگستان دوم نیز جزو آن بود، «مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» پدید آمد و بار دیگر فرهنگستان کنونی از دل آن مجموعه جدا شد و هدایتی مستقل پیدا کرد. گویش شناسی گروه گویش شناسی که اکنون به عنوان یکی از گروه های مهم فرهنگستان در حال مطالعه و پژوهش است از همان ابتدای فعالیت مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی به عنوان یکی از محورهای کار مورد توجه بوده است، به گونه ای که می توان گفت برنامه و اثره گزینی و بررسی و مطالعات گوناگون درباره زبان ها و گویش های ایرانی دو برنامه اصلی و تمامی فعالیت این مرکز به شمار می آمده است.

فرهنگستان سوم:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی یکی از سازمانهای دولتی ایران است که بر اساس اساسنامه اش برای «حفظ قوت و اصالت زبان فارسی»، «پروردن زبانی مهذب و رسا» برای بیان اندیشه ها، «رواج زبان و ادب فارسی»، و «ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی» ایجاد شده است. فعالیت اصلی این فرهنگستان که در ۲ مرداد ۱۳۶۹ خورشیدی (۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰ میلادی) تأسیس شد، انتخاب معادل فارسی (واژه گزینی) برای واژه های زبانهای خارجی بوده است.

اولین رئیس این فرهنگستان حسن حبیبی بود که همزمان معاون اول رئیس جمهور ایران هم بود. دومین رئیس غلامعلی حداد عادل بود که در اواخر دوران ریاستش بر این فرهنگستان به ریاست مجلس شورای اسلامی نیز انتخاب شد. مدتی پس از انتخاب حداد عادل به ریاست مجلس، مجدداً حسن حبیبی به ریاست فرهنگستان انتخاب شد.

عضویت در این فرهنگستان مادام العمر است، مگر در حالتی که عضوی استعفا کند، به علت غیبت زیاد مستعفی شناخته شود، یا «به دلیل سلب صلاحیت اخلاقی» عزل شود. اعضای این فرهنگستان عمدتاً ایرانی هستند ولی اعضای از تاجیکستان و افغانستان نیز در این فرهنگستان عضویت داشته اند یا دارند.

در فرهنگستان سوم از سال ۱۳۷۱ و با طرح «واژه نامه مشترک گویش های ایرانی» هویتی نو یافته زیر نظر خانم دکتر «بدر الزمان قریب» فعال است. یکی از سه پژوهشگر گروه گویش شناسی با اشاره به واژه نامه مشترک گویش های ایرانی می گوید: «در این واژه نامه در برابر هر واژه فارسی، معادل آن در حدود هفتاد گویش ایرانی نو قرار داده شده است که برخی از این گویش ها عبارتند از: آرانی، آشتیانی، ابوزیدآبادی، افتری، انارکی، بختیاری، بستکی، بلوچی، بهدینی، تاتی، تالشی، نفرشی، خوانساری، خوری، دوانی، راجی، سرخه ای، سمنانی، سنگسری، شهمیرزادی، قائنی، کردی، گیلکی، لاسستانی، لاسگردی، لری، لکی، مازندرانی، نائینی، و فسی، هرزنی و..... که واژه های گردآوری شده همه این گویش ها به تدریج به برنامه نرم افزار رایانه ای سپرده می شود.»

وی از طرح دیگری نیز به نام طرح «بانک اطلاعاتی گویش شناسی ایران» نام می برد که بر اساس آن گویش های نقاط مختلف کشور منطقه به منطقه گردآوری خواهد شد:

«اولین منطقه مورد مطالعه در این طرح استان فارس است که از نظر فراوانی گویش و در عین حال گوناگونی آن ها مورد توجه می باشد. شیوه تحقیق نیز به شکل میدانی بوده است که با پرسشنامه های موضوعی عمده واژه های پایه ضبط و ثبت می گردد. این پرسشنامه ها در ۱۵ موضوع از جمله واژگان اجزای بدن، ابزار و وسایل خانه، آفات و بیماری ها و..... طبقه بندی شده که با تکمیل هر یک از آن ها ۲۳۰۰ واژه و ۱۰۰ جمله به دست می آید همچنین با توجه به نکات دستوری می توان در این پرسشنامه ها به ساختار گویش های مورد مطالعه پی برد.»

به برخی گویش های این محل مثل کازرونی، دوانی، بلیانی، گرگنایی، نبافی، دهله ای، پیر مهلتی، عبدویی، کلانی لری، کلانی، تاجیکی، ممسنی، کورزگی، ریچی، ماسرمی، مسقانی، کنده ای، سمنانی،

دوسیرانی، مگری، کروش، پایونی، درونکی یا جروقی و مهبودی است که در حال حاضر چند گویش از این منطقه به شیوه تطبیقی در حال حروف چینی است و افزون بر آن قواعد دستوری آن ها نیز در حال تدوین است.

به همت این گروه در سال ۱۳۸۰ نخستین هم اندیشی گویش شناسی ایران برگزار شد که طی آن ۳۲ مقاله تخصصی در این زمینه ارائه گردید.

فرهنگ نویسی و دانشنامه نویسی

گروه فرهنگ نویسی با هدف نوشتن يك فرهنگ جامع و كامل تاريخی پس از يك دوره چالش جدی و ارائه نظریات گوناگون در سال ۱۳۷۸ شروع به کار کرد یکی از پژوهشگران این گروه می گوید: «هدف ما این است که فرهنگی شبیه لغت نامه دهخدا پدید بیاوریم اما علمی تر و روشمندتر، فرهنگی که متون قدیم یا به عبارتی قدیمی ترین آثار مکتوب را تا دوره مشروطه در بر می گیرد. ما ابتدا واژگان را به دو کاربرد در آثار ردیابی می کنیم و بعد تغییرات آن را در نظر می گیریم، چه تغییرات لفظی و چه تغییرات معنایی، کتاب خوان ها مدخل گزینی می کنند سپس فیش برداری می شود و بعد فیش های منظم به دست تعریف نگار می رسد که وی بر اساس توانایی هایی که دارد تعریفی از آن را ارائه می دهد هویت دستوری برای آن ها تعیین می شود معانی تفکیک می گردند و شواهد در مقابل آن ها قرار می گیرند که در نهایت پس از تألیف وارد رایانه می شوند.»

هم اکنون در کتاب خانه فرهنگستان ۹۶ هزار جلد کتاب به زبان های گوناگون، عموماً در حوزه زبان و ادب فارسی وجود دارد. این کتاب خانه هم چنین دارای مجموعه های نفیس و تخصصی از جمله مجموعه کتاب های شادروان «دکتر ماهیار نوابی» شادروان دکتر «احمد تفضلی» شادروان دکتر «مصطفی مقربی» و شادروان دکتر «سید ابوالقاسم انجوی شیرازی» است که این مجموعه ها هر کدام در حوزه خود منحصر به فرد هستند.

انتشارات فرهنگستان نیز تا کنون واژه نامه ها، فرهنگ نامه ها، و مجموعه مقالاتی چاپ و منتشر نموده که هر يك در جای خود دارای ارزش بسیاری هستند که از آن جمله می توان به چند نمونه زیر اشاره کرد:

نگاهی به گویشنامه های ایرانی، مجموعه مقالات هم اندیشی واژه گزینی، فرهنگ زرقان، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند (جزوه اول) کتاب شناسی دستور زبان فارسی، دستور خط فارسی، شیوه نامه ضبط اعلام معرفی زبان ها و گویش های ایرانی، کتاب شناسی گویش های ایرانی، واژه های علوم دامپزشکی، واژه های هنرهای تجسمی، واژه های مخابرات و.....

آنچه در طول عمر سه فرهنگستان در بین صاحب نظران چالش برانگیز بوده بیشتر به تعریف فرهنگستان، حیطة مسئولیت و وظایف آن بر می گردد. دوباره باید تأکید کرد به علت شرایط خاص زبان و ادبیات فارسی در مقابل هجوم زبان، فرهنگ و تکنولوژی غرب که پس از انقلاب مشروطه صورت و سرعت خاصی به خود گرفت. در تمام این سال ها تنها تصویری که از فرهنگستان وجود داشته و تنها انتظاری که از آن می رفته مرکزی در حد تصویب واژگان جایگزین بوده است که در مقاطعی از تاریخ با اقبال عمومی رو به رو و در مراحل نیز به مضحکه تبدیل شده است. این موضوع اگر چه یکی از مهمترین وظایف فرهنگستان نیز هست اما حیطة واقعی در فرهنگستان بسی والاتر از این جایگاه است به گونه ای که در هر سه دوره نیز واژه گزینی تنها به عنوان یکی از گروه های این مرکز فعالیت نموده است. شاید يك سوی بحث نیز به خود فرهنگستان برگردد که در هر مقطعی وظایف خاصی را برای خود تعریف کرده و یا مأموریت خاصی به آن محول شده است.

مرداد ۱۳۸۷

منبع: گوگل فارسی

<http://www.mahnaaz.com>